



سروِ سور

حاضرات خلیل نجار

مصاحبه و تدوین: محمود امامی

حوزه هنری استان سمنان

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



امور ادبی شهرستانها - استان سمنان

سوره مهر (خاطرات خلیل نجار)

مصحاح و تدوین: محمود امامی

طراح جلد: وحید حق

چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۱۹۸-۹

سرنشانه: نجار، خلیل، ۱۳۲۴ - مصاحبه شونده

عنوان و نام پدیدآور: خاطرات خلیل نجار / مصاحبه و

تدوین محمود امامی؛ [برای] حوزه هنری استان سمنان [سازمان

تلیفات اسلامی].

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ص: مصور (بعضی رنگی)، عکس، نمونه.

ISBN: 978-600-03-0198-9

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: نجار، خلیل -- خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۲۷-۱۳۵۹ -- خاطرات

شناسه افزوده: امامی، محمود، ۱۳۲۳ - مصاحبه گر، گردآورنده

شناسه افزوده: سازمان تلیفات اسلامی. حوزه هنری (سمنان)

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: DSR1۶۲۹ / ۲۵۳۲۳ ۱۳۹۴

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۷۵۵۳

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بخش (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس ۶۶۴۶۹۹۵۴

www.soremehr.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۱	فصل اول
۱۱	تولد و کودکی
۱۳	زادگاه
۱۳	رؤیای شیرین
۱۴	پدر و مادر
۱۶	مشت نمونه خروار
۱۸	دوره ابتدایی
۲۰	فلک و ترکه درخت انار
۲۱	نوجوانی
۲۵	فصل دوم
۲۵	مهاجرت به تهران
۲۷	کارگاه کفاشی
۲۹	صدای آژیر آمبولانس
۳۰	نیروی هوایی
۳۲	تفنگ بی فشنگ
۳۳	آیت الله سعیدی

۳۵	در همسایگی مسجد
۳۷	استعفا برای ازدواج
۴۰	دوستی سرنوشت ساز
۴۴	احساس مسئولیت

۴۷	فصل سوم
۴۷	دستگیری

۵۵	فصل چهارم
۵۵	کمیته مشترک ضد خرابکاری
۵۶	جهنم ساواک
۵۷	اتاق پذیرایی
۵۸	بازجویی
۶۱	شکنجه
۶۴	کابل کف پا
۶۶	پرواز با آپولو
۶۸	سلول انفرادی
۷۱	حمام سه سوتی
۷۲	اتاق پانسمان
۷۴	دکتر رسولی
۷۵	دام محبت
۷۵	سوهان روح
۷۶	بند عمومی
۷۸	حاجی پیاده

۸۳	فصل پنجم
۸۳	زندانی قصر
۸۴	بیدادگاه
۸۶	همسر و همدرد
۸۷	ملاقات در سکوت

۸۸	جیمیکراسی
۹۱	هم بند با رجایی
۹۴	شهید شاه آبادی
۹۵	ماهیت واقعی
۹۷	جرم نماز جماعت
۹۸	اعتصاب غذا
۱۰۰	ساعت سوزی با ساعت سازی
۱۰۲	آزادی

۱۰۵	فصل ششم
۱۰۵	در آغوش مردم
۱۰۶	یک قدم تا انقلاب
۱۰۷	قطار مهمات
۱۱۰	اولین بهار آزادی
۱۱۲	اوستا قنبر و ارتشبد نصیری
۱۱۴	تشنه خدمت
۱۱۵	اسناد و تصاویر

مقدمه

مسابقهٔ آشنایی من با او به سال‌ها قبل برمی‌گردد، سال‌های نوجوانی و جوانی که در کنار تحصیل، کارهایی به صورت پاره‌وقت انجام می‌دادم. در زائر سرای امام رضا^(ع) سرخه غره کوچک مطبوعات و محصولات فرهنگی داشت. با کهولت سن و موهای سفید، ولی با شور و شوق جوانی برانرژی، سال‌های بازنشستگی‌اش را می‌گذراند. غرهٔ کوچک او پاتوق هر روزهٔ من برای خرید روزنامه و مجله و... بود. با اینکه زیاد با او سروکار داشتم، اما شناختم نسبت به او بسیار مختصر و محدود بود. هرگز فکر نمی‌کردم روزی سوژهٔ من برای پژوهش و نوشتن کتاب شود و آن قدر به او نزدیک شوم که از او بخواهم زاویه‌های تاریک و پنهان زندگی‌اش را برآیم روشن کند. نیمهٔ اسفند سال ۱۳۹۰ که اولین جلسهٔ مصاحبه بود، حاج خلیل نجار با صبر و بردباری سؤالات بی‌شمارم را پاسخ گفت و پایه پای من خاطرات تلخ و شیرینش را مرور کرد. همیشه تأکید داشت که کلمه‌ای خارج از واقعیت بر کاغذ نیاید تا مبدا مدیون خود و مردم شود. این گونه بود که او «سرو»ی برای «سور»م شد.

شاید سرنوشت من هم مانند سرنوشت قهرمان کتابم به یک «دوست» گره خورده باشد. کلاس‌های دانشگاه بهانه‌ای شد برای

آغاز یک دوستی بی‌پایان. از همان روزهای اول فهمیدم که او «رسول» صداقت و برادری است.

و اما این کتاب. همه چیز از یک دعوت شروع شد. دی ماه سال ۱۳۹۰ آقای رسول گلپایگانی، من و همسرم را برای شرکت در کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی که در حوزه هنری استان سمنان تشکیل می‌شد؛ دعوت کرد. آن دوره کوتاه به قدری مفید بود که به حق، نقطه شروعی شد برای وارد شدن به دنیای تحقیق و نویسندگی. با انتخاب گزینه مناسب، پروژه تحقیقی تاریخ شفاهی را آغاز کردم و در نهایت با موافقت رئیس محترم حوزه هنری استان به صورت جدی تر کار را ادامه دادم. اثری که پیش روی شماست حاصل ۲۰ جلسه مصاحبه و گفت‌وگو و ده‌ها ساعت خاطره است که در مدت ۲ سال جمع‌آوری و تدوین شده است.

پاس می‌دارم همکاری همه کسانی را که به هر نحوی کمک کردند، به ویژه دوستانم در دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری استان سمنان و در رأس آنها جناب آقای دانائی رئیس محترم حوزه هنری که اگر نبود مدیریت مدیران ایشان، این فعالیت به بار نمی‌نشست. همچنین زحمات خانواده بزرگوار آقای نجار را قدر می‌دانم که با روی گشاده و لطف و محبت فراوان بنده را پذیرا بودند. در نهایت این کتاب را تقدیم می‌کنم به همسرم به پاس همراهی‌اش.